

بررسی دیدگاه مربیان و متخصصان توانبخشی حرفه‌ای در مورد تاثیر کارگاه‌های حرفه آموزی بر توانبخشی حرفه‌ای افراد کم‌توان ذهنی و جسمی

محمد کمالی: دانشیار گروه مدیریت توانبخشی دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران، Mokamali@tums.ac.ir

نسرین بابائیان*: دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، گروه مددکاری اجتماعی، تهران، ایران، Nasrinbabaian37@yahoo.com

عطیه حاشیه باف: دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، گروه مددکاری اجتماعی، تهران، ایران، Sw.ah92@gmail.com

واژگان کلیدی

مربیان

متخصصان توانبخشی

کارگاه‌های حرفه‌آموزی

توانبخشی حرفه‌ای

افراد کم‌توان

چکیده

مقدمه: یکی از اقدامات توانبخشی جهت ارتقاء سطح کیفی و کمی زندگی افراد کم‌توان با نیازهای ویژه، توانبخشی حرفه‌ای می‌باشد. هدف این پژوهش بررسی دیدگاه مربیان و متخصصان توانبخشی در مورد تاثیر کارگاه‌های حرفه‌آموزی بر توانبخشی حرفه‌ای افراد کم‌توان ذهنی و جسمی می‌باشد.

روش: جامعه آماری پژوهش را کلیه کارشناسان متخصص توانبخشی (۳۸ نفر) و مربیان و کمک‌مربیان (۳۴ نفر) که در مراکز حرفه‌آموزی و کارگاه‌های حمایتی-تولیدی غیردولتی توانبخشی استان کرمان (۸ مرکز) مشغول خدمت می‌باشند (در مجموع ۷۲ نفر)، تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری در این مطالعه سرشماری بود. ابزار پژوهش پرسشنامه دو قسمتی شامل اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه پژوهشگر ساخته شامل پنج سوال بود. روایی محتوای آزمون توسط نظر ده نفر از کارشناسان مسئول و صاحب نظر در نظارت بر مراکز حرفه‌آموزی افراد کم‌توان با نیازهای ویژه مورد تایید قرار گرفت. پایایی آزمون نیز بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷ محاسبه شد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی (آزمون آماری من ویتنی یو) تحلیل شد.

نتایج: میانگین نمره نگرش شرکت‌کنندگان ۳۷/۹۲، مربیان ۳۸/۴۰ و متخصصان توانبخشی ۳۷/۵۰ بود. نگرش شغلی افراد شرکت‌کننده به تاثیر کارگاه‌های حرفه‌آموزی بر توانبخشی حرفه‌ای افراد کم‌توان ذهنی و جسمی مثبت بود. نگرش مربیان با متخصصان توانبخشی تفاوتی نداشت. بین نگرش مربیان و متخصصان در مورد تاثیر نوع کارگاه‌های حرفه‌آموزی بر میزان رغبت و علائق شغلی افراد کم‌توان تفاوت معناداری وجود نداشت. **بحث و نتیجه‌گیری:** متخصصان توانبخشی معتقدند کارگاه‌های حرفه‌آموزی با علائق و رغبت‌های شغلی تناسب زیادی داشته است و از دلایل آن می‌تواند این باشد که این کارگاه‌ها با توجه به نظر ارزشیابان حرفه‌ای، مربیان، متخصصان، نیاز بازار بومی و همچنین رغبت‌های افراد کم‌توان با نیازهای ویژه راه‌اندازی شده است.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۲۷

محمد کمالی، نسرین بابائیان و عطیه حاشیه باف. بررسی دیدگاه مربیان و متخصصان توانبخشی حرفه‌ای در مورد تاثیر کارگاه‌های حرفه آموزی بر توانبخشی حرفه‌ای افراد کم‌توان ذهنی و جسمی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۴؛ ۴ (۲): ۴۹-۴۲

نحوه استناد به مقاله:

The Perspective of Professional Educators and Rehabilitators About the Impact of Professional Training Workshops on Professional Rehabilitation of People with Intellectual and Physical Disability

Mohammad Kamali: Associate Professor, Faculty of Rehabilitation, Iran University of Medical Sciences, Mokamali@tums.ac.ir

Nasrin Babaeian*: Ph.D. Student, University of Social Welfare and Rehabilitation Tehran, nasrinbabaeian37@yahoo.com

Atieh Hashiebaf: Ph.D. Student, University of Social Welfare and Rehabilitation, sw.ah92@gmail.com

Abstract

Introduction: Vocational rehabilitation is one of rehabilitation actions for improving the quality and quantity of life of people with special needs.

The purpose of this study is evaluation the ideas of rehabilitation experts and educators about the impact of professional training workshops on vocational rehabilitation of persons with physical and mental disability.

Methodology: The population consist of all rehabilitation experts (38) and help coaches and trainers (34) in vocational training centers and NGO support rehabilitation workshops in Kerman (8 units) are in the service (in total 72 people). Census method was used in this study. The Research Tools consist of a Two-part questionnaire includes demographic information and a questionnaire includes five questions.

Content validity was confirmed by ten experts and supervisors in professional training centers for disabled persons with special needs. The Reliability was calculated by Cranach's alpha (7.0). Data were analyzed by descriptive and analytical statistics (u Mann-Whitney test).

Results: The Average scores of the participants was 37/92 and The Average scores of educators 38/40 and the Average scores of rehabilitation expert's attitude was 37/50. Participants Job attitude in the workshops were positive about the impact of professional training workshops on vocational rehabilitation for people with mental and physical disability. There was no difference Between Attitude of rehabilitation experts and educators. There was no statistically difference Between Attitudes of educators and experts about the impact of professional training workshops on job Trends rate in people with disability.

Conclusions: Vocational rehabilitation experts believe that the workshops have a lot proportions with job Trends. Perhaps the reason for this issue is that the workshops have been launched According to the Professional assessors, trainers and experts and Local market needs and trends of disable people with special needs

Keywords

Coaches

Rehabilitation Experts

Vocational Training Workshops

Vocational Rehabilitation

Disable People

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 07 Aug 2015
Accepted: 18 Sep 2015

Please cite this article as follows:

Kamali M, Babaeian N and Hashiebaf A. The Perspective of Professional Educators and Rehabilitators About the Impact of Professional Training Workshops on Professional Rehabilitation of People with Intellectual and Physical Disability. Quarterly journal of social work. 2015; 4 (2); 42-49

مقدمه

افراد کم‌توان با نیازهای ویژه به کمک تدابیر توانبخشی نه تنها از برکت زندگی بهره‌مند می‌شوند، بلکه می‌توانند برای خود به جای مصرف‌کننده، تولیدکننده باشند. کمک به افراد کم‌توان با نیازهای ویژه در جهت اشتغال و دستیابی به استقلال اجتماعی و اقتصادی از طریق توسعه توانایی‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای وظیفه مهم اجتماع معاصر است. پذیرفتن این اصل که هر انسان (فارغ از رنگ و نژاد و ملیت و نوع معلولیت) حق مسلم دارد که از موهبت‌های خدادادی بهره‌مند شود، ضرورت توجه و تأکید بر آموزش و اشتغال افراد کم‌توان با نیازهای ویژه را بیش از پیش مورد تأیید قرار می‌دهد.

انسان معلول تمام نیازها و امیدهای یک فرد عادی را دارد و می‌خواهد کار کند و مایحتاج زندگی را برآورده سازد. او بشدت خواهان استقلال است و هیچگاه دوست ندارد دیگران با او رفتاری ترحم آمیز داشته باشند. قرن بیستم تحول عظیمی در وضع معلولان به وجود آورد. زمانی که آتش جنگ جهانی دوم هنوز شعله می‌کشید و افراد کم‌توان با نیازهای ویژه زیادی را بر جا می‌گذاشت، ستاره امیدی در افق تاریک معلولیت درخشید. توانبخشی به عنوان یکی از جدیدترین تخصص‌ها و تکنیک‌های پزشکی به عنوان تنها پشتیبان و امید افراد کم‌توان با نیازهای ویژه ظهور نمود. یکی از اقدامات توانبخشی جهت ارتقاء سطح کیفی و کمی زندگی افراد کم‌توان با نیازهای ویژه، توانبخشی حرفه‌ای می‌باشد.

خدمات توانبخشی حرفه‌ای آن قسمت از مراحل تدریجی، پیوسته و هماهنگ، شامل تدارک گروهی از خدمات حرفه‌ای (راهنمایی حرفه‌ای، آموزش حرفه‌ای و نیز گزینش حرفه مناسب) که برای مدد دادن به افراد کم‌توان با نیازهای ویژه به منظور پیدا کردن و حفظ شغل در نظر گرفته شده است می‌باشد. بنابراین خدمات توانبخشی حرفه‌ای باید مقدماتی فراهم آورد تا افرادی که دارای معلولیت‌هایی هستند بتوانند استقلال اقتصادی و اجتماعی کسب کرده و شان و احترام خویش را به دست آورند.

مراحل توانبخشی حرفه‌ای شامل ارزشیابی و راهنمایی، آموزش حرفه‌ای، کاریابی و اشتغال می‌باشد که ارزشیابی حرفه‌ای معلولین جويا و متقاضی کار، مشاوره و راهنمایی حرفه‌ای معلولین، آموزش فنی و حرفه‌ای در کارگاه‌های تحت پوشش سازمان‌های متولی، معرفی جهت آموزش فنی و حرفه‌ای به خارج از سازمان، ارائه خدمات سنجش علائق شغلی و استعداد حرفه‌ای - روانسنجی و غیره، آموزش مهارت‌های سازگاری اجتماعی و ارتباطی، همچنین ارتباطات مستمر بین سازمانی و خارج از دستگاه‌های دولتی جهت فراهم نمودن زمینه اشتغال افراد کم‌توان با نیازهای ویژه و آگاه‌سازی جامعه در جهت آشنایی با توانایی‌های حرفه‌ای افراد کم‌توان با نیازهای ویژه از فعالیت‌های آن می‌باشد. از نظر رایت (به نقل از غباری بناب، ۱۳۸۸) برخی از اصول توانبخشی حرفه‌ای عبارتند از مسئولیت جامعه در قبال فراهم آوردن فرصت‌های برابر، تیمی اداره شدن برنامه‌های توانبخشی، ارزیابی و ارزشیابی برنامه در تمام مراحل اجرای کار، تنوع برنامه‌های حرفه‌ای و توجه به خلاقیت و نوآوری افراد کم‌توان با نیازهای ویژه است. از ضروریات یک برنامه آموزش حرفه‌ای این است که فرد را به سازگاری اجتماعی و شغلی برساند و این برنامه در پنج زمینه عمده اطلاعات شغلی، راهنمایی حرفه‌ای، جابدهی حرفه‌ای، به کارگماری، جابدهی اجتماعی تهیه شده است. زولینگن نیز ابعاد توانمندی شغلی را به شش بعد عمومی، شناختی، شخصیتی، اجتماعی - ارتباطی، اجتماعی - هنجاری و استراتژیک تقسیم می‌نماید. (زولینگن، ۲۰۰۲)

جهت کارآمدسازی آموزش حرفه‌ای برای افراد کم‌توان ذهنی و جسمی باید به ویژگی‌های واقعی افراد کم‌توان همراه با نگرش مثبت به محدودیت‌ها و توانایی‌های ایشان توجه کرد. در این مدل از توانبخشی تمرکز بر مهارت‌های پایه شغلی و مشاغل بومی ساده است. دیدگاه مناسب به آموزش ویژه و توانبخشی با جهت‌گیری مبتنی بر فرد و خانواده باید اتخاذ گردد تا آموزش با زندگی روزمره مرتبط باشد و آموزش‌های کاربردی در اولویت قرار گیرد. موسسه‌های مردم نهاد و سازمان‌های دولتی و به‌ویژه کارفرمایان و متصدیان امور تولیدی - خدماتی بایستی با آموزش‌های حرفه‌ای همگام شده و به توانبخشی مبتنی بر جامعه، مقوله آموزش و توانبخشی مادام‌العمر در گستره‌ی زندگی افراد کم‌توان ذهنی و جسمی توجه گردد. همچنین در توانبخشی حرفه‌ای باید به انسجام و وحدت رویه بین سازمان‌ها، طراحی و اجرای طرح‌های

آماده سازد. لذا مراکز و کارگاه‌های حرفه‌آموزی کوشش کردند به جای کارآموزی، روی تربیت حرفه‌ای یا آموزش شغلی و همچنین صلاحیت‌های شغلی و اجتماعی تاکید کنند. (چنینگ و همکاران ۱۹۳۲، کرک و همکاران ۲۰۰۵)

تحقیقات انجام شده در ایران بر روی توانمندسازی شغلی افراد کم‌توان ذهنی و جسمی نشان می‌دهد که دوره‌های مهارت آموزی حرفه‌ای با توجه به اهداف توانمندسازی شغلی انجام نمی‌پذیرد و محتوای دوره‌ها و کلاس‌های حرفه‌آموزی (کارگاه‌ها) و مهارت‌های کاربردی بایستی مورد تاکید قرار گرفته تا موجب افزایش مهارت‌های زندگی این افراد شود. (بهراد ۱۳۸۳، شهرامی و متقیانی ۱۳۸۳)

آموزش حرفه‌ای فعالیت‌های گروهی است. اعضای گروه برنامه آموزش حرفه‌ای، مجموعه‌ای هستند متشکل از متخصصان مختلفی مانند کاردرمانگر، روانشناس، مددکار اجتماعی و... متخصصان آموزش‌های ویژه و متخصصان حرفه‌ها و مشاغل مختلف موجود در اجتماع (مربیان) می‌باشند. هر یک از این افراد نقش مهم و کلیدی در برنامه آموزش حرفه‌ای دارند. طبیعی است که هر کدام دیدگاه‌های خاص خود را دارند و اهداف مختلفی را برای برنامه آموزش حرفه‌ای و پرونده‌های حاصل از آن دنبال می‌کند. اصطلاح آموزش شغلی به معانی گوناگونی به کار رفته است. هر یک از این معنای، برنامه‌ای خاص خود را در ذهن متبادر می‌سازد، ولی تمام این برنامه‌ها هدفشان این است که فرد کم‌توان ذهنی و جسمی را برای نوعی شغل تربیت کنند. بسیاری بر این باورند که چون فرد کم‌توان ذهنی و جسمی نمی‌تواند در موضوع‌های نظری، توانمندی لازم را کسب کند و یا موفقیتی به دست آورد، لذا بهترین برنامه آموزشی برای آن‌ها، نوعی کلاس‌های کارآموزی حرفه‌ای است. هدف آموزش به افراد دارای کم‌توانی ذهنی و جسمی، آماده ساختن آن‌ها برای زندگی اجتماعی و فراگیری مهارت‌های ضروری جهت داشتن یک زندگی مستقل یا با حداقل وابستگی است و اینکه آنان را برای شغلی تربیت کند. (تکین ارسلان و ساکوگلو ۲۰۰۷، شه‌ناصریان ۲۰۰۱، بریگر و همکاران ۲۰۰۹، والاس و مک لافین ۱۹۸۰، ودورث و میلسام ۲۰۰۴).

از ضروریات کارگاه‌های حرفه‌آموزی برای افراد کم‌توان با نیازهای ویژه آن است که به آنان فرصتی بدهند تا توانایی‌هایشان را برای حمایت از خود به ظهور برسانند و در عین حال از یاس و ناامیدی آنان، از اینکه ممکن است نتوانند مانند دیگران در کارشان شایستگی پیدا کنند، جلوگیری نمایند. (گیلبراید، ۲۰۰۰)

با توجه به اینکه دیدگاه مربیان و متخصصان حرفه‌ای می‌تواند بر کیفیت کارگاه‌های حرفه‌آموزی تاثیرگذار باشد (تکین ارسلان و ساکوگلو ۲۰۰۷، شه‌ناصریان ۲۰۰۱) محقق بر آن شد تا تحقیقی برای

انتقال و سرمایه‌گذاری جهت طراحی و اداره‌ی کارگاه‌های حمایتی و نیمه حمایتی و برنامه‌های شغلی نظارتی و کارآموزی‌های شغلی، اهتمام به دوره‌های تربیت متخصص و تامین امکانات و تسهیلات حرفه‌آموزی و توجه به اهرم‌های قدرتمند والدین، مربیان و ظرفیت‌های بومی - محلی توجه شود.

از آنجا که یک فرد کم‌توان ذهنی و جسمی، در تمامی مراحل زندگی به درجات مختلف و به انواع متنوعی از خدمات آموزشی و توانبخشی نیازمند و وابسته است، لذا نگرش مقطعی به آموزش حرفه‌ای یکی از آسیب‌های اثر بخشی آن است. آموزش حرفه‌ای از آموزش‌های رسمی آغازین تا آموزش‌های تکمیلی و نظارت و راهنمایی‌های حین کار را در بر می‌گیرد، لذا نظام‌های آموزشی کارآمد و برنامه‌های آموزش شغلی اثربخش برای مراحل و موقعیت‌های مختلف زندگی فرد، طرح‌ها و راهبردهای به هم پیوسته و منسجمی را تدوین، اجرا و نظارت می‌نمایند که در مجموع خود کفایی و تداوم شغلی و پایداری نسبی وضعیت فرد را تامین می‌نمایند. (دیچمن و همکاران ۲۰۰۸، واتزک و همکاران ۲۰۰۹، شه‌ناصریان ۲۰۰۱، میچون ۲۰۰۵)

هدف از آموزش حرفه‌ای افراد کم‌توان ذهنی و جسمی این است که این افراد پس از حضور در کارگاه‌های حرفه‌آموزی و سپری کردن آموزش‌های حرفه‌ای بتوانند در همان حرفه‌ای که آموزش دیده‌اند مشغول به کار شوند. البته در بسیاری از مطالعات بر روی افراد کم‌توان ذهنی و جسمی مشاهده شده که این افراد نیازمند آموزش‌های ساده برای شغل‌های غیرماهر و نیمه‌ماهر می‌باشند و بایستی روش‌ها و عادات کاری به این افراد آموخت که برایشان مفید باشد و بتواند آن‌ها را به سمت یک استقلال نسبی سوق داده و آن‌ها را برای داشتن یک زندگی روزمره

پاسخ به این سوال که "آیا توافق عمومی بین دیدگاه‌های مربیان و متخصصان درگیر توانبخشی حرفه‌ای برای نیل به اهداف توانبخشی حرفه‌ای با حضور افراد کم‌توان با نیازهای ویژه در کارگاه‌های

روش

در این مطالعه توصیفی مقطعی جامعه آماری پژوهش را کلیه کارشناسان متخصص اعم از مددکاران اجتماعی، روانشناسان، کاردرمانگران، گفتاردرمانگران و... (۳۸ نفر) و مربیان و کمک مربیان (۳۴ نفر) که در مراکز حرفه آموزی و کارگاه‌های حمایتی-تولیدی غیردولتی توانبخشی استان کرمان (۸ مرکز) مشغول خدمت می‌باشند (در مجموع ۷۲ نفر)، تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری در این مطالعه سرشماری بود.

ابزار پژوهش پرسشنامه دو قسمتی شامل اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه پژوهشگر ساخت شامل پنج سوال بود که به صورت چند گزینه‌ای از خیلی مخالفم با امتیاز صفر تا خیلی موافقم با امتیاز ۱۰ نمره‌گذاری شده بود. مجموع سوالات هر پرسشنامه امتیازی از صفر (نگرش کاملاً منفی نسبت به تاثیر کارگاه‌ها) تا پنجاه (نگرش کاملاً مثبت نسبت به تاثیر کارگاه‌ها) دریافت می‌کند. روایی محتوای آزمون توسط نظر ده نفر از کارشناسان مسئول و صاحب نظر در نظارت بر مراکز حرفه آموزی افراد کم‌توان با نیازهای ویژه مورد تایید آنان قرار گرفت. پایایی آزمون نیز بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷ محاسبه شد.

به منظور انجام مطالعه از مسئولین ذیصلاح اجازه‌نامه کتبی دریافت شد و به شرکت‌کنندگان توضیح داده شد که پاسخ آنان در پرسشنامه تاثیری در مسایل شغلی و حرفه‌ای آنان نخواهد داشت و آنان در صورت تمایل می‌توانند از نتایج مطالعه مطلع شوند. اهمیت و ضرورت مطالعه برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و موافقت آنان کسب گردید. پرسشنامه‌های بی‌نام جمع‌آوری شد، انتشار نتایج بدون اشاره به نام افراد انجام شد، اصول اخلاقی در نشر و در مقاله نویسی رعایت شد.

پس از انجام هماهنگی‌ها و دریافت اجازه‌نامه به محیط پژوهش مراجعه شد. شرکت‌کنندگان به صورت خود اظهاری پرسشنامه‌ها را تکمیل و در همان روز به پژوهشگر برگرداندند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت. در تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (فراوانی و درصد فراوانی، میانگین و...) و در تحلیل استنباطی از آزمون مان ویتنی یو استفاده شد.

یافته‌ها

جدول (۱) فراوانی و درصد فراوانی نوع شغل در شرکت کنندگان		
نوع شغل	فراوانی	درصد فراوانی
مربی	۳۲	۴۴/۴۵
کمک مربی	۲	۲/۷۸
کاردرمانگر	۷	۹/۷۲
گفتاردرمانگر	۶	۸/۳۳
روانشناس	۷	۹/۷۲
مددکار اجتماعی	۷	۹/۷۲
فیزیوتراپ	۱	۱/۳۹
مسئول فنی	۶	۸/۳۳
مدیر	۲	۲/۷۸
پزشک	۲	۲/۷۸
جمع	۷۲	۱۰۰

میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۳/۷۲ سال بود. ۷۰/۸۳ درصد از یک تا شش سال دارای سابقه کار در مراکز حرفه آموزی توانبخشی می‌باشند و ۲۹/۱۶ درصد دارای بیشتر از ۶ سال سابقه کار با معلولان بودند. ۳۰/۵۵ درصد از آزمودنی‌ها دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم بودند که شامل مربیان و کمک مربیان می‌باشد. ۵۸/۳۳ درصد از مربیان و متخصصان دارای تحصیلات لیسانس و ۸/۳۳ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و ۲/۷۷ درصد نیز دارای تحصیلات دکترا و پزشکی بودند. ۴۴/۴۵ درصد پاسخگویان را مربیان و کمک مربیان تشکیل داده است و ۵۵/۵۵ درصد باقی مانده از پاسخگویان نیز شامل متخصصان (مسئول فنی، مددکار اجتماعی، روانشناس، کاردرمانگر، گفتاردرمانگر، فیزیوتراپ و پزشک) می‌باشد (جدول ۱).

میانگین نمره نگرش شرکت‌کنندگان ۳۷/۹۲، میانگین نمره نگرش مربیان ۳۸/۴۰ و میانگین نمره نگرش متخصصان توانبخشی ۳۷/۵۰ بود. نتایج مطالعه نشان داد بین نگرش متخصصان و مربیان در خصوص متناسب بودن نوع کارگاه‌های حرفه آموزی با علائق و

رغبت‌های شغلی افراد کم‌توان با نیازهای ویژه، خود کفایی فردی افراد کم‌توان با نیازهای ویژه با حضور در کارگاه‌های حرفه آموزی، متناسب بودن محصولات تولیدی کارگاه‌های حرفه آموزی با نیاز بازار بومی، تاثیر حضور افراد کم‌توان با

نیازهای ویژه در کارگاه‌های حرفه‌آموزی،
تاثیر آموزش مفاهیم پیش حرفه‌ای و
مقدماتی بر توانبخشی حرفه‌ای افراد
کم‌توان با نیازهای ویژه اختلاف وجود
ندارد. (جدول ۲)

جدول (۲) مقایسه میانگین نمره نگرش متخصصان و مربیان به تفکیک سوالات پرسشنامه					
سوال	گروه‌ها	میانگین	میانگین رتبه	آماره آزمون	مقدار بی
آیا نوع کارگاه‌های حرفه‌ای متناسب با علایق و رغبت‌های شغلی افراد کم‌توان می‌باشد؟	متخصصان	۳۲/۳	۳۲/۸۰	۵۰/۵۰	۰/۰۶۷
	مربیان	۳۶/۴	۴۰/۶۲		>۰/۰۵
آیا حضور معلولان در کارگاه‌های حرفه‌ای، افراد کم‌توان آموزش دیده را به خودکفایی می‌رساند؟	متخصصان	۴۰/۰۱	۸/۵۴	۵۱۱	۰/۱۱۴
	مربیان	۴۲/۰۶	۱/۴۷		>۰/۰۵
آیا محصولات تولیدی کارگاه‌های حرفه‌ای متناسب با بازار بومی جامعه می‌باشد؟	متخصصان	۳۲/۰۳	۸/۹۴	۶۳۵	۰/۸۹
	مربیان	۳۴/۰۶	۱/۴۷		>۰/۰۵
آیا حضور افراد کم‌توان در کارگاه‌های حرفه‌ای در توانبخشی حرفه‌ای افراد کم‌توان تاثیر دارد؟	متخصصان	۳۶/۰۶	۳۲/۵	۵۳۲	۰/۱۲
	مربیان	۳۹/۰۴	۳۹/۸۵		>۰/۰۵
آیا آموزش مفاهیم پیش حرفه‌ای و مقدماتی (مهارت‌های زندگی، مهارت‌های شناختی، مفاهیم پایه، مهارت‌های روابط بین فردی و...) در توانبخشی حرفه‌ای افراد کم‌توان تاثیر دارد؟	متخصصان	۴۲/۰۸	۹/۷۱	۵۶۴/۵۰	۰/۲۳
	مربیان	۴۰/۴۲	۱/۴۷		>۰/۰۵

بحث و نتیجه‌گیری

نگرش شغلی افراد شرکت‌کننده به تاثیر کارگاه‌های حرفه‌آموزی بر توانبخشی حرفه‌ای افراد کم‌توان ذهنی و جسمی مثبت بود. نگرش مربیان با متخصصان توانبخشی تفاوتی نداشت. بین نگرش مربیان و متخصصان در مورد تاثیر نوع کارگاه‌های حرفه‌آموزی بر میزان رغبت و علایق شغلی افراد کم‌توان تفاوت معناداری وجود نداشت و آنان معتقدند که کارگاه‌های حرفه‌آموزی با علایق و رغبت‌های شغلی تناسب زیادی داشته است و از دلایل آن می‌تواند این باشد که این کارگاه‌ها با توجه به نظر ارزشیابان حرفه‌ای، مربیان و متخصصان، نیاز بازار بومی و همچنین رغبت‌های افراد کم‌توان با نیازهای ویژه راه‌اندازی شده است. این یافته‌ها نیز با یافته‌های پژوهشی ابطحی (۱۳۸۸) محسنی صدر (۱۳۸۲)، اصغری نکاح (۱۳۸۷) و هار تاس (۲۰۰۸) همسو می‌باشد زیرا با توجه به نظر مربیان و کارشناسان مدارس آموزش استثنایی، توجه به تفاوت‌های فردی، رغبت‌های شغلی، تمرین و تکرار آموزش‌های حرفه‌ای بر توانبخشی حرفه‌ای و توانمندی شغلی افراد کم‌توان با نیازهای ویژه تاثیر گذار می‌باشد.

بین نگرش متخصصان و مربیان در زمینه تاثیر حضور افراد کم‌توان با نیازهای ویژه در کارگاه‌های حرفه‌آموزی بر میزان خود کفایی فردی افراد کم‌توان با نیازهای ویژه تفاوت معناداری وجود ندارد و مربیان و متخصصان معتقدند که با حضور مرتب افراد کم‌توان ذهنی و جسمی در کارگاه‌های حرفه‌آموزی، این افراد به خود کفایی فردی نسبی می‌رسند. دلایل احتمالی وجود توافق نظر در نگرش متخصصان و مربیان را می‌توان، ضرورت وجود کارگاه‌های حرفه‌آموزی برای افراد کم‌توان با نیازهای ویژه دانست که به افراد کم‌توان با نیازهای ویژه فرصتی می‌دهد تا توانایی‌هایشان را برای حمایت از خود به ظهور برسانند و در عین حال از یاس و ناامیدی آنان و از اینکه ممکن است نتوانند مانند دیگران در کارشان شایستگی پیدا کنند، جلوگیری نماید. (گیلبراید، ۲۰۰۰) لازمه رسیدن به خود کفایی فردی وجود فاکتورهای مهارت‌های زندگی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، مسئولیت‌پذیری و... می‌باشد (ابطحی ۱۳۹۰) با توجه به توافق نظر بین مربیان و متخصصان یافته‌های سوال پژوهشی نیز با یافته‌های ابطحی (۱۳۸۸) و گیلبراید (۲۰۰۰) همسو بوده و حضور افراد کم‌توان با نیازهای ویژه در کارگاه‌های حرفه‌آموزی به صورت مرتب می‌تواند ایشان را به حد خود کفایی نسبی برساند، ضمن اینکه نگرش امروزه در جهان نسبت به افراد کم‌توان با نیازهای ویژه همانند افراد عادی است و باید آنان به حداکثر توان بالقوه خود برسند بطوریکه تفاوتی با افراد عادی نداشته باشند و تنها یادگیری آنان با روند تاخیر و به کندی انجام می‌شود. (بهراد: ۱۳۷۹)

مربیان و متخصصان در خصوص تناسب محصولات تولیدی کارگاه‌های حرفه‌آموزی با نیاز بازار بومی اتفاق نظر دارند. با توجه به نوع کارگاه‌های حرفه‌آموزی و محصولات تولید شده و متناسب بودن آن با نیاز بازار این مطلب به ذهن متبادر می‌شود که به دلیل اینکه از همان ابتدا چون این کارگاه‌ها با نظر متخصصان و مربیان راه‌اندازی شده است لذا نوع محصولات تولید شده نیز با نیاز بازار بومی متناسب می‌باشد و این امر بر توانبخشی حرفه‌ای افراد کم‌توان با نیازهای ویژه تاثیرگذار می‌باشد. همچنین یافته‌های این سوال پژوهشی با یافته‌های چنینگ (۲۰۰۷) همسو می‌باشد که باید متخصصان و مربیان عادات و روش‌های کاری را به افراد کم‌توان با نیازهای ویژه بیاموزند که برای ایشان مفید باشد و آن‌ها را طوری تربیت کنند که پس از فراغت از آموزش بتوانند در شغل‌های مربوط به افراد نیمه‌ماهر و غیرماهر کار کنند و بایستی روی

تریت حرفه‌ای و آموزش شغلی متناسب با بازار کار بومی تاکید کنند. (چنینگ، ۲۰۰۷)

مربیان و متخصصان معتقدند که حضور افراد کم‌توان با نیازهای ویژه در کارگاه‌های حرفه آموزی بر روند توانبخشی حرفه‌ای ایشان تاثیر گذار است. خدمات توانبخشی حرفه‌ای مقدماتی فراهم می‌آورد تا افراد با نیازهای ویژه بتوانند استقلال اقتصادی و اجتماعی کسب کرده و به دست آورند که یکی از این خدمات حضور افراد کم‌توان با نیازهای ویژه در کارگاه‌های حرفه آموزی و آموزش فنی و حرفه‌ای می‌باشد. (کتاب جامع بهداشت عمومی: ص ۱۷۱) در نتیجه حضور فعال و مرتب افراد کم‌توان ذهنی و جسمی در کارگاه‌های حرفه آموزی بر روند توانبخشی حرفه‌ای از دیدگاه متخصصان و مربیان تاثیر گذار می‌باشد.

بین نگرش مربیان و متخصصان به لحاظ تاثیر آموزش مفاهیم پیش حرفه‌ای و مقدماتی بر توانبخشی حرفه‌ای افراد کم‌توان با نیازهای ویژه از نظر آماری تفاوت معناداری نبود. از دیگر خدمات توانبخشی حرفه‌ای آموزش مهارت‌های زندگی، مفاهیم پایه (خواندن، نوشتن، حل مسئله، ریاضی، روابط بین فردی و...) به افراد کم‌توان با نیازهای ویژه می‌باشد و این خدمات توسط مربیان و متخصصان به افراد کم‌توان با نیازهای ویژه ارائه می‌شود که با توجه به نتیجه به دست آمده نیز مشخص گردید که ایشان نیز با یکدیگر در خصوص تاثیر آموزش مهارت‌های پایه و زندگی به افراد کم‌توان با نیازهای ویژه بر روند توانبخشی حرفه‌ای افراد توافق نظر دارند. یافته‌های این تحقیق نیز با یافته‌های تکنیک ارسلان (۲۰۰۷) شه‌ناصریان (۲۰۰۱) بریگر و همکاران (۲۰۰۹) همسو می‌باشد. هدف آموزش مهارت‌های زندگی و پایه به افراد دارای ناتوانی هوشی و جسمی، آماده ساختن آن‌ها برای زندگی اجتماعی و فراگیری مهارت‌های ضروری جهت داشتن یک زندگی مستقل یا با حداقل وابستگی است. (تکنیک ارسلان و ساکوگلو ۲۰۰۷، شه‌ناصریان ۲۰۰۱، بریگر و همکاران ۲۰۰۹)

اگر این توافق نظر بین نگرش مربیان و متخصصان را در خصوص روند توانبخشی حرفه‌ای مبنا قرار دهیم، هم‌اکنون باید شاهد این باشیم که حداقل نیمی از این افراد کم‌توان با نیازهای ویژه پس از فراغت از آموزش‌های حرفه‌ای، وارد بازار کار شده باشند! و یا حداقل با توجه به خدمات توانبخشی حرفه‌ای که به افراد کم‌توان با نیازهای ویژه ارائه می‌شود پنجاه درصد آنان به توانمندی شغلی رسیده و بتوانند در ایجاد فرصت‌های خود اشتغالی موفق باشند. با توجه به آمار کسب شده از هشت مرکز حرفه آموزی و کارگاه‌های حمایتی و تولیدی افراد کم‌توان با نیازهای ویژه در سطح استان کرمان، از تاریخ اول مهر ۱۳۹۱ تا ابتدای شهریور ۱۳۹۲، از تعداد ۴۳۲ معلول خدمت گیرنده از این مراکز در طول تاریخ ذکر شده فقط ۴۶ نفر ترخیص موفق (خود اشتغالی در

راستای حرفه‌ای که یاد گرفته‌اند) داشته‌اند و ۴۶ نفر دیگر به دلیل عدم حمایت جامعه از ایشان در مراکز بصورت مستقل و تحت نظارت مربیان در راستای حرفه‌ای که یاد گرفته‌اند مشغول به کار می‌باشند و مراکز بابت فروش محصولات ایشان مبلغی را به آنان پرداخت می‌کنند. با توجه به مصاحبه صورت گرفته با مربیان و متخصصان، آنان از عدم وجود حمایت‌های پس از ترخیص از مرکز از افراد کم‌توان با نیازهای ویژه، عدم وجود فرصت‌های شغلی مناسب در محیط خارج از مرکز، کمبود بودجه‌های حمایتی و پیگیری‌های پس از ترخیص و عدم وجود مراکز کارآفرینی خاص افراد کم‌توان با نیازهای ویژه، ناخرسندند. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهشی غفار تبریزی (۱۳۶۹) ود ورث (۲۰۰۴) شهرامی (۱۳۸۳) هارتاس (۲۰۰۸) عنبرزاده (۱۳۸۳) ابطحی (۱۳۸۸) قلعه (۱۳۸۰) متقیانی (۱۳۷۶) همسو می‌باشد.

نتیجه‌گیری: متخصصان توانبخشی و مربیان نسبت به تاثیر کارگاه‌های حرفه آموزی بر توانبخشی حرفه‌ای افراد کم‌توان ذهنی و جسمی نگرش مثبت داشتند و بین نگرش‌های ایشان تفاوتی مشاهده نشد. با توجه به اهمیت بالای توانمندسازی شغلی و توانبخشی حرفه‌ای افراد کم‌توان با نیازهای ویژه با حضور در کارگاه‌های حرفه آموزی و پیچیدگی‌ها و چالش‌هایی که این مقوله تاکنون داشته است، پیشنهاد می‌گردد سازمان بهزیستی و نظام آموزشی - حرفه آموزی افراد کم‌توان با نیازهای ویژه به بررسی توانبخشی حرفه‌ای، نوع کارگاه‌های حرفه آموزی، آموزش مهارت‌های زندگی، مهارت‌های پایه، شیوه ارزشیابی حرفه‌ای، تناسب آموزش حرفه با بازار کار و سایر عوامل دخیل بر روند توانمندسازی شغلی و توانبخشی حرفه‌ای افراد کم‌توان با نیازهای ویژه پردازد و متناسب با نوع معلولیت، جنسیت، توانمندی‌های افراد کم‌توان با نیازهای ویژه، نظرات کارشناسان،

متخصصان و مربیان، واقعیت‌ها و چشم
اندازهای منطقی، مهارت‌های لازم جهت
تربیت شغلی و حرفه‌ای را بمنظور زندگی سازگارانه افراد کم توان با
نیازهای ویژه بیش از پیش مدنظر قرار دهد.

منابع

References:

- Abtahi, M. (1390) Check the status of job empowerment in the curriculum of vocational secondary students retarded slowly paced. New approach in Educational Administration journal .1(2)
- Anbarzadeh, T. (1383). Investigated the relationship between intelligence and adaptive behavior of mentally retarded students with professional skills. (MD). Allameh Tabatabaei University.
- Asgharinekah, M. (1382) Reflection on professional education to students with mental retardation periodical specialized professional skills training. Management of Exceptional Education Khorasan Province. P (20-25)
- Behrad, B (1383) Vocational training for students with intellectual disabilities. Exceptional Children Research Institute (32-35)
- Behrad, B., shahrami, A. (1379) Professional evaluation. A guide for students with disabilities informal evaluation of intelligence. Exceptional Children Research Institute. P (12-20)
- Channing, A. (2007). A review of gobs undertaken by the mentally retarded. Journal of classical sociology, 3(1), 320-351.
- Dutta, A., Gerve, R., chan, F., Chou, C.-C., & Dichman, N. (2008). Vocational Rehabilitation Services and Employment Outcomes for People With Disabilities: united States Study. Journal of Occupational Rehabilitation, 18, 326-334.
- Ghabari Banab, B. (1388). Psychology and Education of children with mental retardation. Tehran. Danjeh Pub.
- Ghafar Tabrizi, R. (1380). The study of occupational education of mentally retarded school graduates in Tehran. (MD).Azad University.
- Ghale, P. (1370). The employment status of persons with mental retardation Education in Tehran. (MD) Azad University
- Gilbride, D., Stensrud, R., & Peterson, C. (2000). Employers' Attitudes toward Hiring persons with Disabilities and Vocational Rehabilitation Services. Journal of Rehabilitation, 66(4), 17-23.
- Hadjikakou, K., & Hartas, D. (2008). Higher Education Provision for Students with Disabilities in Cyprus. International Journal Of Special Education, 24(2), 55-65.
- Hatami, H. (1392) Public health.3 (1) p (171)
- Johnson, E., & kirk, S. (2005). Education the related child. Netherlands: Springer
- Kirk, S., Gallager, Anastasiow, J., Coleman, N., & M.R. Educating Exceptional Children: Hoghton Mifflinco Company
- Kirk, S.Orville, G. (1915) Education of mentally retarded children. Translated: Mehdizadeh, M (1376). Astan Qods Razavi.
- Michon, W.C, Weeghel, H, Kroon, J. V, Art, H & Schene, H. (2005). Person-Related Predictors of employment outcomes after Participation in psychiatric Vocational rehabilitation programmers' A systematic review. Journal of So psychiatry Psychiatric Epidemiologic, 40, 408-416.
- Mohseni Sadr, A. (1382). Evaluate and compare the existing businesses in the exceptional education that students' interest in line with the retarded. (MD) Azad University.
- Seif Naraghi, M., shariatmadari, A., Naderi, A., Abtahi, M. (1388). The amount of strengthening job enabling in the curriculum for students with intellectual disability, perspective experts, curriculum planners and teachers concerned. Education Journal.1 (2)
- Shahnasarian, M. (2001). Career Rehabilitation: integration of Vocational Rehabilitation and Career Development in the twenty –first Century. Journal of the Career Development a quarterly, 49(3), 275-283.
- Shahrami, A., Motaghiani, R. (1383). A preliminary evaluation of the general skills of educable mentally retarded students. Exceptional Children Research Institute.
- Zolingen S, Van, J. (2002). The role of key qualification in the Transition from Vocational Education to Work. Journal of Vocational Education Research, 27(2), 57-65.
- Tekin Arsalan & Bulbin Sucoglu. (2007). Effectiveness of cognitive process Approached Social Skills Training Program for people with Mental Retardation. International Journal Of Special Education 22(3), 120-127.
- Wallace, G (1940) Learning disabilities: concepts and characteristics. Translated: Monshi Tosi, M (1373) Astan Qods Razavi.
- Watzke, S., Galvao, A., & Brieger, P. (2009). Vocational Rehabilitation for subjects with severe mental illnesses in Germany. Journal of soc Psychiatry Psychiatric EP, 44, 523-531.
- Worth, J. W., CRC, NCC, Milsom, A., & Cocco, K. (2004). Career Development for Adolescents and Young Adults with Mental Retardation. Journal of Career and Technical Education, 8(2), 141-147.